

نگاهی به تقابل دو موضوع مهم آموزش پژوهش محور یا پژوهش جدا از آموزش

# دو پرده اصلی در پژوهش های مدرسه ای

مرتضی مجدفر

گزاره هایی که در هنگام طرح مباحث دیگر، فراوان با آن ها کار خواهیم داشت. هم چنین در بخش پایانی قسمت اول، پژوهش هراسی مدیران مدارس را از دو زاویه مورد بررسی قرار دادیم با این نوید که در این شماره تقابل دو موضوع مهم آموزش پژوهش محور یا پژوهش جدا از آموزش را بررسی کنیم. آن چه در پی می آید، تلاشی است برای تبیین این تقابل و ارائه راه حل های عملیاتی.

**کلیدواژه ها:** پژوهش های مدرسه ای، پژوهش های دانش آموزی، آموزش پژوهش محور.

در سال های اخیر که پژوهش به انحنای گوناگون وارد مباحث موجود در نظام تعلیم و تربیت کشورمان شده است، شاهد دو گونه برخورد متفاوت با چگونگی توسعه پژوهش در مدارس بوده ایم:

- پژوهش ساز خود را می زند، آموزش ساز خود را!



## // پژوهش و مدیران مدرسه ها //

اشاره

انتشار سلسله مطالب «پژوهش و مدیران مدرسه ها» را از شماره قبل آغاز کردیم. همان طور که پیش تر هم ذکر کردیم، در نظر داریم در این مطالب، «الف» تا «ی» مقوله پژوهش را که می تواند با مدیران مدارس ارتباط داشته باشد، به بحث و تبادل نظر بگذاریم.

شماره نخست پژوهش و مدیران مدرسه ها، با طرح یک پرسش آغاز شد: چرا مدیران مدارس نیازمند شناخت و کاربست پژوهش و پژوهشگری اند؟ و سپس با بیان ۸ گزاره، سعی کردیم پاسخی در خور به این پرسش بدهیم.



می‌شود و دانش‌آموزان موظف هستند در هر نیم سال تحصیلی، پژوهشی را در یکی از موضوعاتی که از میان سوژه‌های پیشنهادی دپارتمان پژوهش انتخاب کرده‌اند، انجام و گزارش آن را ارائه دهند؛ پژوهش‌هایی که الزاماً قرار نیست با یکی از دروس آن‌ها تلاقی و یا حتی هم‌خوانی داشته باشد.<sup>۱</sup>

معمولاً در این مدارس، ارائه یافته‌های پژوهشی در قالب گزارش کارهای مکتوب و یا نمایشی، رونق جالبی دارد و حتی در این ارتباط نمایشگاه‌هایی ترتیب داده شده و به صورت عملکردی موفقیت‌آمیز به رخ دیگران کشیده می‌شود. یافته‌های پژوهشی ارائه شده در این قبیل نمایشگاه‌ها، اغلب چیزی فراتر از جمع‌آوری اطلاعات نیست و اصلاً فعالیتی به نام و با ویژگی‌های پژوهش در مورد آن‌ها انجام نشده است. در این ارتباط در بخش‌های آتی این سلسله مطالب به صورت مبسوط‌تر سخن خواهیم گفت.

**ب) روی آوردن به رویکرد دویپینگی در پژوهش‌های دانش‌آموزی:** از سال‌های میانی دهه هفتاد کنفرانس‌هایی در تهران و شهرستان‌ها برای دانش‌آموزان پژوهنده ترتیب یافت که ضمن دارا بودن آثار و نتایج بسیار درخشان برای توسعه فرهنگ پژوهش و جست‌وجوگری در میان دانش‌آموزان و مدارس، اغلب با آسیب‌هایی هم همراه بود. این کنفرانس‌ها، که در سلامت اندیشه طراحان آن‌ها شکی نداریم، ضمن ایجاد شور و حالی زایدالوصف در فضای آموزشی مدارس، به طور غیر مستقیم به بیراهه و انحراف نیز کشانده شد. شیوه کار به این صورت بود که از سوی ادارات آموزش و پرورش مناطق و شهرستان‌ها و نیز ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها، برنامه‌هایی تحت عناوین گوناگون از جمله: «جشنواره پژوهشگران کوچک»، «پژوهشگران کوچک امروز، دانشمندان بزرگ فردا»، «کنفرانس‌های دانش‌آموزی» و ... ترتیب داده می‌شد. در این برنامه‌ها، به مدارس سوژه‌هایی برای پژوهش توسط دانش‌آموزان ارائه و از آن‌ها خواسته می‌شد ترتیبی اتخاذ کنند تا بعد از برگزاری مسابقه پژوهشی در سطح مدرسه، پژوهش‌های برتر (در هر پایه، هر رشته و یا موضوع پژوهش) به اداره معرفی شوند. تا این جای کار مشکلی نبود و اگر باز هم این قبیل برنامه‌ها اجرا شود، قابل قبول خواهد بود. ولی مشکل اصلی از این مرحله به بعد خودنمایی می‌کرد. مدارس برای آن که در مرحله‌های منطقه‌ای و استانی، خودی نشان دهند، به جای آن که از این برنامه برای ترویج فرهنگ پژوهشگری و توسعه حس کنجکاوی و جست‌وجوگری در میان دانش‌آموزان و ایجاد لذت در یادگیری استفاده کنند، با برگزاری مسابقه منطقه‌ای و یا حتی بدون چنین کاری، چند دانش‌آموز زبده مدرسه را برمی‌گزیدند و تمام هم و غم خود را به کار می‌بستند تا دانش‌آموزان مذکور علاوه بر انتخاب سوژه‌های دهان‌پرکن، به جایی برسند که بتوانند در سطح منطقه و استان با دیگران رقابت کنند و گوی سبقت را از آن‌ها برابند.

در این سال‌ها، شاهد بودیم که در مدارس خاص، با اتخاذ رویکرد دویپینگی در انجام پژوهش، ابر و باد و ماه و خورشید و فلک مدرسه دست به دست هم می‌دادند تا آقا پسر و دختر خانم محترمی، پژوهشی انجام دهد و در مسابقه منطقه‌ای یا استانی، مدرسه را رؤسید کند و ایضاً چندی بعد، پارچه نوشته‌ای بر ورودی آموزشگاه نصب و موفقیت دانش‌آموز در جشنواره پژوهشگران جوان را تبریک بگوید. درست است که هر جشنواره‌ای سرانجامی دارد و بالاخره باید برگزیده‌ای داشته باشد، ولی حرف اساسی ما این است که نباید ماجرا را به رقابت ناصحیح کشانده و هدف اصلی را فراموش کرد. بهتر است در این زمینه به تجربه مثبتی هم اشاره کنیم. سال‌هاست اداره کل مدارس شاهد و نمونه در سطح مدارس شاهد کشور کنفرانس‌های دانش‌آموزی برگزار می‌کند. درست است که در برخی مدارس شاهد، آخر کار و آن جایی که قرار است برگزیدگان به رقابت‌های منطقه‌ای و استانی و کشوری

• پژوهش در خدمت آموزش است و آموزش در خدمت پژوهش یا به عبارت بهتر آموزش پژوهش‌محور می‌شود!

## برده اول) پژوهش جدا از آموزش!

بروز پژوهش در مدرسه‌های کشورمان، پیش از آن که در سال‌های میانی دهه هفتاد شمسی، تغییری در آیین‌نامه امتحانات دوره‌های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی و سپس متوسطه داده شود و برای فعالیت‌های پژوهشی و دست‌ورزی‌های تحقیقی دانش‌آموزان از لحاظ نمره‌اهمیتی اختصاص یابد، از طریق برخی مدرسه‌های خاص به ویژه مدارس غیردولتی بوده است. این روند، که ادامه آن تا سال‌های اخیر هم تداوم داشته، به طور عمده شامل موارد زیر بوده است که هنوز هم با کمی شدت و ضعف به چشم می‌خورد:

## الف) اختصاص ساعتی در برنامه

**هفتگی با عنوان پژوهش:** این روش که هنوز هم بسیاری از مدارس غیردولتی در تبلیغات خود در هنگام نام‌نویسی از دانش‌آموزان، از آن به عنوان شیوه‌ای علمی و مدرن یاد می‌کنند، عبارت است از اختصاص درسی دو ساعتی به نام پژوهش در برنامه هفتگی دانش‌آموزان با معلمی اغلب جدا از سایر معلمان مدرسه (در نقش مدرس روش‌های تحقیق و نیز پیش‌برنده پژوهش‌های دانش‌آموزان) که بدون توجه به آنچه که در کلاس‌های درس دانش‌آموزان می‌گذرد، با بجه‌ها از پژوهش و پژوهشگری حرف می‌زند؛ البته انجام تحقیق‌هایی را هم به راهنمایی خودش و یا بهره‌گرفتن از برخی افراد دیگر پیش می‌برد. نوع پیشرفته‌تر این روش، شیوه‌ای است که حتی در برخی از مدرسه‌های موفق و مشهور هم دیده شده است و آن این که به جای زنگ پژوهش، دپارتمانی در مدرسه، وظیفه پیشبرد پژوهش‌های دانش‌آموزان را عهده‌دار



## هر اندازه که معلمان فقط تدریس می کنند، لذت کشف کردن



### را از دانش آموزان می گیرند

– دانش آموزان، وقتی از طریق جست و جو و پژوهش، خودشان قادر به یادگیری شوند، به جای شنیدن درباره چیزی – هنگامی که خود یادگیری را به اکتشاف بیاموزند – بیشتر **خودانگیز** می شوند. آن ها یاد می گیرند که فعالیت های خود را با قدرت خود تحسینی انجام دهند. دقیق تر این که پاداش، خود کشف است.<sup>۳</sup>

– برنامه درسی پژوهش محور، معمولاً تعادل یادگیرنده را به هم می زند و آرامش را از او سلب می کند. عدم آرامشی که مولد یک آرامش راستین بعدی است.

– در برنامه درسی پژوهش محور، چیزی پایان نمی یابد تا در پایان ارزشیابی انجام گیرد؛ هر چه هست در فرایند رخ می دهد.

– هر اندازه که معلمان فقط تدریس می کنند، لذت کشف کردن را از دانش آموزان می گیرند. باید کاری کنیم که خود دانش آموزان کشف کنند.

– قرار دادن پاسخ مستقیم در اختیار دانش آموزان، آنان را به کتاب و معلم متکی می کند و باعث می شود از خود کوششی نشان ندهند. در نتیجه آنان از یادگیری رضایت خاطر به دست نمی آورند و انگیزه های یادگیری در آن ها ضعیف می شود. پژوهش دانش آموزی، روشی است برای جبران این دو نقیصه.

– در رویکرد آموزش پژوهش مدار، محدوده فعالیت معلم کاهش می یابد، ولی بچه ها آزادتر می شوند. کار گروهی رشد می کند و می توان بین دروس گوناگون، راه هایی را به صورت تعاملی و تلفیقی جست و جو کرد.

بپردازند، باز رویکرد دوپینگی خودنمایی می کند، ولی با تأکید و بازدید مستمر کارشناسان مدارس شاهد و نمونه، مبنی بر این که از طریق این کنفرانس ها، باید در سطح مدارس جریان سازی پژوهشی صورت گیرد، تا حدود زیادی شدت این آسیب ها کاهش یافته است.<sup>۲</sup>

**پ) رویکرد پژوهش صرفاً برای دانش آموزان خاص:** شیوه دیگر که در برخی مدارس، به ویژه مدرسه های خاص و اسم و رسم دار، از سال ها پیش به چشم می خورد و ما آن را به خودی خود نفی نمی کنیم، توجه به انجام پژوهش، صرفاً توسط دانش آموزان خاص است. اوج این رویکرد، شرکت داده شدن برخی دانش آموزان در بخش جوان جشنواره خوارزمی و در سال های اخیر جشنواره فارابی است. شرکت در جشنواره خوارزمی و نیز جشنواره فارابی (ویژه علوم انسانی)، به دلیل بالا بودن سطح طرح های حاضر در این جشنواره و رقابت سختی که بین شرکت کنندگان وجود دارد، کار مشکلی است و از عهده هر دانش آموزی بر نمی آید. به همین دلیل مدارس، دانش آموزان نخبه و برتر خود را با راهنمایی های گسترده ای که از سوی معلمان و نیز استادان مدعو توسط مدرسه صورت می گیرد، در جشنواره خوارزمی شرکت می دهند. انجام این کار بسیار ستودنی است، ولی آن چه که باعث شده است از این موضوع در بخش آسیب شناسی پژوهش دانش آموزی در مدارس سخن بگوییم، روش غلطی است که در برخی مدارس به چشم می خورد. این که فقط پژوهش دانش آموزی را به شاگردان شرکت کننده در جشنواره های خوارزمی و فارابی (و ایضا در سال های اخیر مسابقه های ربات، ساخت سازه ماکارونی و ...) محدود کنیم، ضمن این که لطفی است در حق بچه های نخبه و علاقه مند، ظلمی است در مورد سایر دانش آموزان. مدیر علاقه مند به توسعه مهارت های پژوهشی در مدرسه، بهتر است ترتیبی اتخاذ کند که همه دانش آموزان به نحای گوناگون، درگیر فعالیت های پژوهشی شوند.

### پرده دوم) پژوهش در خدمت آموزش یا آموزش پژوهش محور!

برخی از مدارس، پس از تجربه و پشت سر گذاشتن سه رویکردی که در پرده اول از آن ها سخن گفتیم و برخی دیگر از ابتدا، به سراغ رویکرد پژوهش محور در یاددهی – یادگیری با هدف توسعه تفکر پژوهشی در کلاس درس و مدرسه رفتند. طبق رویکرد آموزش پژوهش محور:

– تمام اکتشاف ها، اختراع ها و تولید ایده های جدید و ادراکات دانش آموزان موقعی پدید می آید که آن ها در «موقعیت مسئله» قرار داده شوند.

– اساس پژوهش های دانش آموزی، چیزی جز پاسخ داده شدن به یک سؤال نیست. مگر پرسش های دانش آموزان از درون کلاس های درس طرح نمی شود؟ پس چرا سعی می کنیم پژوهش را تافته جدا بافته ای از آموزش بدانیم.

– معلمی که می خواهد دانش آموزانش به تفکر، پژوهش و تولید علم روی بیاورند، باید تمام هنرش این باشد که چگونه می توان با قرار دادن دانش آموز در شرایط مسئله، او را به فکر واداشت تا خود لذت کشف مفاهیم و یادگیری آن ها را بچشد. بر این اساس، انجام یک پژوهش ساده در کلاس درس بهتر از انجام پژوهشی گسترده در بیرون از کلاس درس و جدا از برنامه درسی کلاسی است.

– وقتی که دانش آموز چیزی را کشف و پاسخ مسئله ای را پیدا می کند، همین لذت او را برای مطالعه و کشف بیشتر ترغیب می نماید.

– پژوهش کلاسی، یک **اکتشاف هدایت شده** است و به دانش آموزان کمک می کند بیشتر خودمدار، خود رهبر و مسئول یادگیری خود شوند.



